

«۷ اکتبر» هیمنه راهبرد امریکا در غرب آسیا را فرو ریخت



■ زهر اسادات آفرینی

قبل از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ به نظر می‌رسید چشم‌انداز ایالات متحده برای غرب آسیا در حال تحقق است. واشینگتن به تفاهم ضمنی با تهران درباره برنامه هسته‌ای، کار روی یک پیمان دفاعی با عربستان سعودی به منظور عادی‌سازی روابط با اسرائیل و برنامه‌هایی برای شکل‌گیری یک دالان تجاری که هند را به اروپا متصل می‌کند، در قالب چشم‌انداز مدنظر خود چشم‌دوخته بود، البته بر سر این اهداف، موانعی هم وجود داشت. از جمله اینکه تنش بین تهران و واشینگتن همچنان بالا بود، ضمن اینکه دولت دست راستی اسرائیل، از توسعه شهرک‌سازی در کرانه باختری دست نمی‌کشید که همین اقدام به خودی خود، باعث خشم فلسطینیان می‌شد.

اما حمله گسترده حماس به اسرائیل، دید ایالات متحده را زیرورو کرد. اعضای این گروه، شهرهای جنوبی اسرائیل را زیر پا گذاشتند. در جریان این اقدام تقریباً هزار و ۲۰۰ نفر کشته و بیش از ۲۴۰۰ تن به گروگان گرفته شدند. حمله یادشده، موجب واکنش نظامی

■ چالش

وحشیانه اسرائیل شد که فاجعه انسانی را در غزه با تعداد زیادی کشته و آواره فلسطینی بر جای گذاشت و علاوه بر این، خطر یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر را افزایش داد. به این ترتیب، مصیبت فلسطینی‌ها دوباره در کانون توجه جهانیان قرار گرفت. حالا با شرایط موجود، معامله اسرائیل و عربستان هم غیر ممکن به نظر می‌رسد. همه اینها در کنار توانایی‌های نظامی منطقه‌ای ایران و اینکه تهران نیز قاطع به نظر می‌رسد، اهمیت دوچندانی می‌یابد. اگر چه ایران تمایلی به درگیری گسترده‌تر ندارد اما نمایش قدرت حماس و تبادل آتش اسرائیل با حزب‌الله و شلیک موشک دیگر گروه‌های منطقه به سمت نیروهای امریکایی موضع ایران را تقویت کرده است.

■ واقعیت‌هایی که باید دیده شوند

البته همچنان ایالات‌متحده بر غرب آسیا نفوذ دارد اما حمایت واشینگتن از جنگ اسرائیل، به طور قطعی اعتبار این کشور را در منطقه به خطر انداخته است. این حمایت همچنین به طور گسترده‌تری به جایگاه واشینگتن در سطح جهانی لطمه وارد کرده به خصوص که ادعای اسرائیل مبنی بر دفاع از خود، به

به رغم اعتراف به شکست کی‌یف

«ناتو» جنگ اوکراین را ۳ ساله می‌کند



امریکا به همراه برخی کشورهای اروپایی در صدد کسب رضایت کی‌یف برای وارد شدن در فرایند آتش‌بس با روسیه و امضای توافق صلح هستند. به نظر می‌رسد حامیان غربی اوکراین به سمت مذاکرات صلح با روسیه متمایل شده‌اند، البته صلح مدنظر آنها مشروط به تحقق شرایط مدنظر کی‌یف است. در این راستا آمریکا و آلمان در حال پیشبرد تلاش‌هایی مخفیانه برای وادار کردن ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین به مذاکره با روسیه هستند. مقام‌های ارشد اوکراین از جمله زلنسکی به تازگی اذعان کرده‌اند که ضدحمله‌های ناموفق نیروهای اوکراینی در فصل تابستان باعث کاهش تمایل کشورهای غربی برای ارسال کمک به این کشور شده است. در این راستا در برهه کنونی نحوه ارسال تسلیحات از سوی واشینگتن و برلین به اوکراین به گونه‌ای است که کی‌یف متوجه شود قادر به بازپس‌گیری اراضی از دست رفته‌اش نیست.

چند هفته پیش «جو‌رپ بول» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با هشدار درباره اینکه کمک‌های امریکا به اوکراین احتمالاً کاهش خواهند یافت، گفت اعضای این اتحادیه باید آمادگی سیاسی لازم برای

این فرض استوار خواهد بود که ریاض می‌تواند روابط خود را با اسرائیل عادی کند، آن هم در شرایطی که چنین واقعه‌ای، واکنش‌های گسترده‌ای را به دنبال نداشته باشد. بر فرض محال که توافقی شامل امتیازات عمده برای فلسطینی‌ها به دست می‌آمد، اسرائیل ادامه دارد، اما این را پیش‌بینی نمی‌کرد که این جنگ با موضوع فلسطین همگرایی داشته و تأثیر ویرانگری داشته باشد. همانطور که هفتم اکتبر نشان داد، باورهای واشینگتن در مورد غرب آسیا کاملاً نادرست بود و با این حال، تاکنون ایالات متحده تفکر خود را به روز نکرده که نتیجه آن خشم ضداسرائیلی و ضدامریکایی در سراسر منطقه بوده است. به عنوان مثال، عبدالله دوم پادشاه اردن و همسرش ملکه رانیا آل عبدالله، نه تنها علناً عملیات نظامی اسرائیل را محکوم و از حمایت امریکا از آن انتقاد کردند بلکه به صراحت اعلام کردند اردن در این جنگ در کنار غرب نمی‌ایستد. اردن و بحرین هر دو سفیران خود را از اسرائیل فراخوانده و روابط دیپلماتیک خود را تعلیق کرده‌اند.

■ واشینگتن باید به جنگ غزه پا یان دهد

بعد دیگر نادرستی باورهای واشینگتن در مورد غرب آسیا اینجا معلوم می‌شود که ایالات متحده تلاش کرده است با حمایت از توقف درگیری‌ها برای رساندن کمک‌های بشردوستانه به غزه، موضع جانبدارانه خود را از اسرائیل جبران کند. این کشور همچنین با دولت قطر که روابط نزدیکی با حماس دارد، برای آزادی گروگان‌ها همکاری کرده است. علاوه بر اینها، واشینگتن تلاش‌هایی را صورت داده است تا تشکیلات خودگردان فلسطین در پایان جنگ، غزه را اداره کند، اما بعید به نظر می‌رسد این گام‌های کوچک باعث ثبات منطقه شود و چه بسا نتیجه بر عکس خواهد داشت که به ایجاد خلالتی منجر می‌شود که سایر بازیگران جهان عرب از آن برای پیشبرد منافع خود استفاده خواهند کرد. فوری‌ترین وظیفه واشینگتن پایان دادن به جنگ در غزه است. تا زمانی که اسرائیل به این باریکه حمله می‌کند و غیر نظامیان را در آنجا می‌کشد و ایالات متحده برای مهار متحد خود تلاش لازم را صورت نمی‌دهد، دولت‌ها و مردم کشورهای عربی از ایالات متحده خشمگین‌تر خواهند شد. در نتیجه، مقامات ایالات متحده باید اسرائیل را تحت فشار قرار دهند تا جنگ علیه حماس را که به طور دسته‌جمعی غیرنظامیان را مجازات می‌کند، متوقف کند. همچنین واشینگتن باید اسرائیل را مجبور کند که از خشونت‌های بی‌حد و حصر در غزه دست بردارد و به جای آن به دنبال راه‌حلی صلح‌آمیز و سیاسی برای مسئله فلسطین باشد. حل مسئله فلسطین برای ایجاد ثبات در غرب آسیا ضروری است اما این تنها چالش پیش روی منطقه نیست. به عنوان بخشی از هر معامله بزرگ، واشینگتن باید تنش‌ها را هم با ایران کاهش دهد.

منبع: فارین افروز

غرب آسیا از یک سو فقدان منابع نظامی در کشورهای حامی کی‌یف از سوی دیگر، عملاً از اولویت کشورهای اروپایی و تا حدی امریکا خارج شده است. این مسئله انتقاد شدید مقامات اوکراینی را به دنبال داشته است. آنها به خوبی می‌دانند که بدون تداوم حمایت‌های همه‌جانبه و گسترده غرب قادر به پایداری حتی کوتاه‌مدت در مقابل روسیه نیستند. اذعان رئیس‌جمهور اوکراین به نقش حیاتی کمک‌های غرب و در رأس آنها امریکا در تداوم جنگ اوکراین با روسیه و مجبور شدن کی‌یف به عقب‌نشینی از جبهه‌های جنگ در صورت قطع این کمک‌ها نشان می‌دهد غربی‌ها تا چه حد در تداوم جنگ خونین اوکراین که اکنون در بیست‌ودومین ماه خود است، نقش اساسی ایفا کرده‌اند.

■ جمع‌بندی

امریکا به عنوان سردمدار بلوک غرب و ناتو، حداکثر تلاش خود را برای تداوم گسترش دامنه جنگ اوکراین با هدف تضعیف هر چه بیشتر روسیه و وارد آوردن تلفات انسانی و تجهیزات بی روس‌ها انجام داده است. مقامات ارشد امریکایی و ناتو بر این گمان هستند که پیروزی روسیه در جنگ اوکراین آن هم در مجاورت ناتو به بی‌اعتباری این سازمان نظامی و گسترش هر چه بیشتر نفوذ قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه منجر خواهد شد و معادلات امنیتی و نظامی و سیاسی را در اروپا به ضرر غرب تغییر خواهد داد. در این راستا «بنس استولتنبرگ» دبیر کل ناتو در جدیدترین موضع‌گیری خود در قبال جنگ اوکراین بر نقش اساسی آن در تعیین موازنه قدرت بین روسیه و امریکا تأکید کرده است. استولتنبرگ هشتم آذر گفت: تکمیل موفقیت‌آمیز عملیات نظامی روسیه ممکن است جایگاه واشینگتن در جهان را از بین ببرد. وی مدعی شد حمایت گسترده‌ای از جانب دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در ایالات متحده برای ادامه ارائه کمک به اوکراین وجود دارد، چراکه این امر به نفع امنیت ایالات متحده است. استولتنبرگ تصریح کرد: اگر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در اوکراین پیروز شود، ایالات متحده در موضعی خطرناک‌تر قرار خواهد گرفت. این اشاره‌ای نه فقط به مسئله بلکه به پکن نیز است که ششما‌ا از قدرت نظامی استفاده کنید، آنچه می‌خواهید، رقم خواهید زد و این به منزله تهدید و چالشی برای همه ماست.

تنش

به رغم اعتمادیه نفس واشینگتن

جنگ با ایران فاجعه‌آمیز خواهد بود



در سال ۲۰۱۹ و در پی تشدید تنش با ایران، مقام‌های پنتاگون برآورد کردند نسخه‌ای از این راهبرد که در پی انهدام تأسیسات هسته‌ای ایران باشد، نیازمند استقرار دست کم ۱۲۰ هزار نیرو در سراسر خاورمیانه است. در حال حاضر (و به رغم آنکه ارزیابی‌های تازه در دست نیست) با توجه به هزینه‌های افزوده نظامی ایران، حتی نیروی بیشتری هم مورد نیاز خواهد بود، در نتیجه امریکا قادر به پیاده‌کردن راهبردی نیست که بر نیروی دریایی و هوایی برای غلبه بر توان نظامی ایران متکی است. اگر هم منظور این باشد که از نیروی دریایی و هوایی برای آماده‌سازی حمله زمینی استفاده شود، ایران به همان اندازه آماده است. چنین یورش‌ی نیاز به هزینه‌های انبوه برای کسب جای پا در این کشور دارد. تحلیلگران برآورد می‌کنند که هر گونه حمله زمینی نیازمند یک میلیون و ۶۰۰ هزار نیروی نظامی است، یعنی تقریباً ۱۰ برابر آنچه امریکا برای عراق در هر مقطعی از جنگ بسج کرد.

پس از رسیدن به ایران، واشینگتن با سیزدهمین جمعیت آماده به خدمت در جهان روبه‌رو خواهد بود، با سیزدهمین نیروی زرهی، یو‌تخانه‌های خودکشی، نهمین یو‌تخانه یدک‌کش جهان و هشتمین پروژکتورهای موسیقی متحرک جهان. هزینه‌های انسانی و مادی چنین عملیاتی، بسیار گران خواهد بود. محور راهبرد ایران برای مبارزه با امریکا، هزینه‌بر کردن کشت‌وکار هر گونه حمله دریایی و هوایی است، با این تصور که امریکایی‌ها سرانجام اراده خود را برای ادامه جنگیدن از دست خواهند داد. ایران با قلمروهای آبی اطرافش از موشک‌های ضد کشتنی و ضد هواپیما برای پوشش سواحل جنوبی ۲۰۰ هزار و ۴۰۰ کیلومتری خود استفاده خواهد کرد و نیز از ضعف اراده خود را برای زمینه‌مین‌روب‌ها استفاده می‌کند تا تسیر حمله دریایی را کند سازد. با کندشدن مسیر جنگ، ایران به اراده سیاسی سیاستگذاران امریکا و افکار عمومی ایالات متحده حمله خواهد کرد و ضمن آنکه همچنین مجال لازم را برای خود فراهم می‌آورد تا تصمیماتی را اتخاذ کنند و حتی تنگه هرمز را به سمت دریای عمان ببینند.

انتظار یک پیروزی آسان علیه ایران، چیزی بهتر از راهبردی نیست که مدنظر بود انسان‌ها پرور یا بگیرند. ابزارهای این کار فراهم نیست، بنابراین امیدواریم بازدارندگی دوجانبه همچنان موفق باشد و نه تهران و نه واشینگتن، تصمیم به تشدید نگیرند.

دولت جوی‌باین، آشکارا تلاش دارد از جنگ با ایران دوری کند اما در شرایطی که جنگ غزه با خطر گسترش به یک منازعه منطقه‌ای روبه‌رو است، مقام‌های امریکایی با لحن تحریک‌آمیز خود، بر آتش چنین جنگی می‌مند، با این حال، برخلاف اعتمادیه‌نفس شاهین‌ها (تندروهای امریکا، جنگ با ایران را برای امریکا و برای گستر، خاورمیانه، فاجعه‌بار خواهد بود. جدای از اهداف چنین اقدامی - از انهدام توانمندی‌های هسته‌ای ایران گرفته تا تغییر رژیم - واشینگتن تنها دوراه واقعی برای حمله به ایران دارد، یک کارزار هوایی و دریایی که برای وارد کردن هزینه‌های چشمگیر بر رژیم طراحی شده‌اند یا یک یورش زمینی پس از تثبیت برتری هوایی و دریایی. هر دوی این گزینه‌ها اما بیش از آنچه سیاستگذاران گمان می‌کنند، مشکل‌ساز و بازتاب بدسجی بنیادی از توان نظامی ایران هستند.

کارزار هوایی و دریایی برای تسلیم فوری ایران، با چالش‌های چشمگیری روبه‌رو خواهد بود. نیروهای نظامی ایران برای جلوگیری از چنین تهاجمی طراحی شده‌اند و هزینه‌های مهمی را متوجه هر حمله هوایی یا دریایی می‌کنند. آنها از موشک‌های کروز با برد ۶۰۰ مایلی، سامانه‌های پیشرفته دفاع هوایی برد بلند، موشک‌های ضد هواپیما، ۴ هزار موشک بالستیک، ۶ هزار مین دریایی و توانمندترین برنده‌های بدون سرنشین در منطقه برخوردارند.

در اساس، هر عملیات ترکیبی هوایی و دریایی، نه تنها با محدودیت‌های سنتی روبه‌رو است که این کارزارها را به ندرت موفق می‌سازد، بلکه پیاده کردن نفرات در قلمرو ایران هم احتمالاً با هزینه‌هایی برای هواپیماهای گران‌قیمت امریکا و سامانه‌های دفاع موشکی بالستیک آن روبه‌رو خواهد بود.

تحلیلگران پیشین به ارزیابی شانس موفقیت کارزاری برداخته‌اند که متکی به قدرت هوایی و دریایی است. در سال ۲۰۲۰ یک شبیه‌سازی عملیات نظامی wargame که مستلزم آن بود که طراحان امریکایی در هنگامه جنگ، قواعد آن را تغییر دهند، نشان داد ایران به آسانی می‌تواند کشتی‌های امریکایی را غرق کند و در سال ۲۰۱۲، مقام‌های پنتاگون برآورد کردند که چنین راهبردی نیازمند دست کم ۱۰۰ هزار نیروی نظامی است.

جردن کوهن، کارشناس امور دفاعی در اندیشکده کاتو در هیل

منبع: معاونت مطبوعاتی